

### متن پرسش

بسمه تعالی با عرض سلام و ادب خدمت جنابعالی در کتاب زمزم عرفان ایت الله بهجت در خصوص مساله وحدت مجود مطلبی فرموده اند تحت عنوان وحدت حکمیه و کثرت حقیقیه و اضافه می نماید ندیدم کسی این مطلب را گفته باشد و در توضیح ان می فرماید وقتی خورشید امد ستارگان دیده نمی شوند اما واقعا هستند آنچه می بینند واحد است تجلی حضرت حق است (ظاهرا منظور ایشان این است که در ان حال کثرات از نظر انان محو می شود در حالی که وجود دارند ) و می فرماید فردی مانند سید محمد کربلایی که یک شب تا صبح گریه می کند اگر وحدت حقیقیه باشد گریه برای چه ؟ کلمه حکمیه در این جا به چه معنا ست؟ و نظر شما در این باره چیست؟

### متن پاسخ

باسمه تعالی؛ علیک السلام: به نظرم آقا در مورد محو صورت مخلوق در موقع تجلی نور حق، نظر به محو اعیان ثابتهی مخلوق دارند وگرنه لازم می آید که در عرض حضرت حق مخلوق موجود باشد که این با بی نهایت بودن خدا نمی سازد. ولی در مورد رجوع عبد به حق که امثال آیت الله محمد کربلایی دارند، موضوع عبارت است از سیر از وجود موهوم به فنای در حق است و باقی شدن به حق در عین احساس عبودیت به عنوان عین ثابتهای که معلوم حق است و نه مخلوقی در عرض خداوند. موفق باشید